



به مناسبت 115 امین سالگرد تولد مائوتسه دون

نوشته : لی وانستو

منبع : کارگر انقلابی

مترجم : ن. طاهری

تصحیح : الینگار

ویرایش : هیئت تحریر "شورش"

قسمت دوم

راه پیمایی طولانی

در سال 1932 جاپان به چین حمله کرد. جاپانی هادستور "همه رابکش و همه چیز را آتش بسوزان" به اجراء آوردند و در مدت زمان حضورشان در چین بیش از 30 میلیون نفر را به قتل رسانیدند. در دسامبر 1937 نیروهای جاپانی به شهر نانکینگ وارد شدند. نیروی 50000 نفری جاپان وقتی وارد این شهر شدند، به میگساری و عیاشی، تجاوز به زنان، قتل و چپاول پرداختند. آنها در طول چهار هفته بیشتر از 300000 نفر را به قتل رساندند. جاپانی ها سران اطفال را زنده می بریدند و به هزاران زن به شمول زنان سالخورده و دختران خردسال تجاوز می کردند. مردان را به رگبار می بستند و خیلی ها را در مسابقه نیزه زنی به عنوان نشانه استفاده میکردند. افراد را در صندوق ها گذاشته زنده به آتش میسختاندند. این یک جنگ کثیف و وحشیانه ای بود که به منظور درهم شکستن کامل مردم چین و مقاومت شان مورد اجرا گذاشته شده بود.



کمونیست ها مردم را در جنگ ضد جاپان رهبری کردند، ولی چیانکائیشک نه تنها علیه جاپانی ها جنگید بلکه جنگ را علیه کمونیست ها ادامه داد. ارتش تحت فرمان چیانکائیشک که مورد حمایت گومینتانگ نیز بود، عملیات بسیار بزرگی را علیه ارتش سرخ از پیش میبرد. در سال 1934 یک میلیون سرباز گومینتانگ باتانک، توپ و هواپیما های جنگی اش در عملیات ضد ارتش سرخ شرکت داشتند. در 16 اکتوبر 1934 مانووارتس سرخ مجبور شد به عقب نشینی استراتژیک از جیانگسی دست زند و به راه پیمایی تاریخی - طولانی خویش

آغاز کردند. (خاطرات چانگ جنگ فینگ" در راه پیمانی طولانی با صدر مانو" - ترجمه رفیق الینگار به زودی در وب سایت های بابا، پیام آزادی و شورش بصورت فصل وار منتشر خواهد شد - هیئت تحریریه شورش)

ارتش سرخ تحت رهبری مائو 6000 مایل راه را پیاده پیموده و از صعب العبورترین مناطق روی زمین عبور کردند. اینها از 12 ایالت گذشتند که در آن ولایات حداقل 12 میلیون نفر زندگی میکردند. اینها از 18 سلسله کوه عبور نموده و از 24 دریا رد شدند و 62 شهر و شهرک را تصرف و بیا یک میلیون سرباز گومینتانگ جنگیدند و بطور اوسط روزیک برخورد مسلحانه صورت می گرفت. مدت راه پیمایی 250 روز را دربر گرفت. مانو این راه پیمایی طولانی را یک

اعلامیه بزرگ، یک دسته تبلیغاتی، و یک ماشین بذرافشان نامید. او گفت "بذرها بپراکند این راه پیمایی کاشت، سبز خواهد شد، شاخ و برگ خواهد کشید، شگوفه نموده و ثمر خواهد داد که در آینده حاصل فراوانی را نصیب انقلاب خواهد کرد".

بعد از 3 ماه راه پیمایی طولانی ارتش سرخ در ماه دسامبر 1935 به زونینه در ولایت کویچور رسید. درینجا رهبران حزب کمونیست یک کنفرانس بسیار مهمی را برگزار کردند که میتوان آنرا نقطه عطف در انقلاب چین نامید. برای اولین بار حزب در امور سیاسی و استراتژی نظامی اطراف خط مانو متحد شدند و او را به عنوان رهبر حزب انتخاب کردند. زمانی که ارتش سرخ زونینه را ترک کرد، 4000 دهقان از آن منطقه به آن پیوستند.

راه پیمایی طولانی در 20 اکتوبر 1935 یعنی یک سال بعد از ترک جیانگسی، در شمال شانسی ختم شد. از جمله صد هزار نفر که راه پیمایی را آغاز کرده بودند، فقط 20000 نفر به شنسی زنده رسیدند. راه پیمایی طولانی یک عقب نشینی تاکتیکی بود که شکست ارتش سرخ به پایگاه جدید خویش با رهبری سالم و آرمان سیاسی و لاییش قدرتمندتر از پیش و اصل شد. کمونیستهای چین به اثبات رسانیدند که بهترین جنگجویان علیه اشغالگران خارجی اند. مانو در سال 1936 خواستار تشکیل جبهه متحد با گومینتنگ شد تا علیه جاپانی های اشغالگر دست به مبارزه مشترک بزنند. در حالیکه چانگ کایشک رهبر گومینتنگ از تمام توان علیه ارتش سرخ استفاده کرد، ارتش سرخ از سال 1937 تا 1945 بیشتر از نصف عملیات هایش را علیه جاپانی ها بکار گرفت. ارتش سرخ 92000 عملیات را انجام داد که در نتیجه آن یک میلیون سرباز خارجی به قتل رسید و 150000 عسکر اسیر شد.

انکشاف تنوری کمونیزم،

مانو تنوری کمونیزم را در جهت حل مشکلات انقلاب تکامل داد. او خدمات مهم و ضروری را برای کمونیزم انجام داد. مانو مشکلات استراتژی را که انقلاب در کشور تحت ستم امپریالیزم، با آن روبرو بود عمیقاً در بخش نظامی و همچنین فلسفی، حل کرد. آثار تنوری کمونیزم مانند "درباره تضاد"، "درباره شناخت"، "درباره دموکراسی نوین" و غیره خدمات ارزنده ای را در امر درک انقلاب و دانش انقلابی در سراسر جهان بجا آورد که امروز اهمیت عظیم برخوردارند. مانو تلاش میکرد تا تنوری مارکسیستی را عمیقاً درک و عملی کند.

مانو در اواخر سال 1939 مقاله مهمی را بنام "درباره دموکراسی نوین" نوشت. مانو توضیح داد که چین برای دهه ها تحت سلطه قدرتهای امپریالیستی قرار داشته و هیچگاهی یک ملت مستقل نبوده و اقتصاد آن یک اقتصاد ویران و وابسته میباشد. توسعه اقتصاد سرمایه داری امپریالیستی باعث شده تا مناسبات اقتصادی چین خیلی عقبمانده باقی بماند. مناسبات اقتصاد فنودالی و نیمه فیودالی یعنی قرار داشتن زمین در ملکیت فنودالها و استثمار و حشایشانه دهقانان با مناسبات اقتصاد سرمایه داری درهم آمیخته و بالنتیجه موجب ظهور یک نظام سیاسی عقبمانده تحت ایده های عقبمانده گردیده

است. چینی ها تحت این نظام در سرتاسر کشور به زیر ستم قدرت های امپریالیستی قرار داشته و رنج میبرند. مانو درک کرد که انقلاب در چین و سایر کشورهای عقبمانده به دو مرحله جداگانه تقسیم میگردد. مرحله اول انقلاب دموکراتیک نوین میباشد. این انقلاب تمام کسانی که ضدا امپریالیست و ضد فیودالیزم اند، را متحد میسازد تا بقایای فنودالیزم، بورژوازی دلال و سلطه امپریالیزم را سرنگون سازد. درین مرحله باید وظایفی مهمی دموکراتیک چون انقلاب ارضی بر اساس شعار "زمین از آن کشتگر" و نابودی ستم ملی بر اقلیت های ملی و ستم بر زنان انجام یابند. در حالیکه این خواستها



بر زمینه انقلاب بورژوا- دموکراتیک انجام می یابد و پوتنسیال انکشاف سرمایه داری را شگوفامیسازد، مانو گفت که اگر

این انقلاب بمثابة بخشی از انقلاب کمونیستی جهانی تحت رهبری پرولتاریای انقلابی انجام یابد، راه را با سرعت نسبتاً بالایی بسوی سوسیالیزم و کمونیزم باز میکند. مانو برخلاف بعضی رهبران دیگر حزب کمونیست چین بر این ایده پافشاری میکرد که انقلاب در هر دو مرحله توسط پرولتاریا رهبری گردیده و از آغاز با هدف رسیدن به سوسیالیزم و کمونیزم شروع میگردد. در حالیکه انقلاب مراحل مختلفی را طی میکند ولی باید همیشه به عنوان پروسه‌های بهم پیوسته و متصل شناخته شده و ایدئولوژی و سیاست پرولتری و هدف آن که جهان عاری ازستم و استثمارمیباشد، چراغ راهنمای آن هاباشد.

جنگ و پیروزی

بعد از ختم راه پیمایی طولانی مانو و نیروهای کمونیست درین ان پایگاه ساختند. ینان جایی بود که در آنجا ارتش سرخ شکل گرفت و جنگ علیه اشغالگران جاپانی و نیروهای گومینتاتنگ تاشکست کامل آن و تصرف قدرت سراسری رهبری گردید. هزاران دهقان، کارگرو و روشنفکر به ینان، یعنی جایبکه در آن بذر جامعه نوین سوسیالیستی افشاند و گروه‌های انقلابی در همه امور زندگی تشکیل گردیده بود، می آمدند. در آنجا اتحادیه زنان، اتحادیه جوانان، اتحادیه دهقانان، اتحادیه



کارگران، اتحادیه متعلمین و جمعیت خرده سالان تشکیل شده بودند. جالب اینست که درین ان اتحادیه بیکاران نیز وجود داشت. آنها نیز گردهم میامدند تا تجارب شان را که چگونه به انسانهای مفید در جامعه نوین تبدیل شدند، به دیگران انتقال بدهند. توده هابسیج شدند تا وحشیگری و فقر حاصل از نظام فئودالی راریشه کن نمایند. از دواجهای اجباری، استفاده مواد مخدر، بچه کشی (کسانی بودند که بچه های خود را در روزهای بعد از تولد میکشند)، کار خرد سالان و فحشا کاملاً از بین رفته و از جامعه نابود شده بود. مذهب و خرافات جایش را به دانش انقلابی و علمی داده بودند. ملاکین ظالم دیگر اجازه نداشتند تا بیرحمانه مردم را استثمار نمایند.

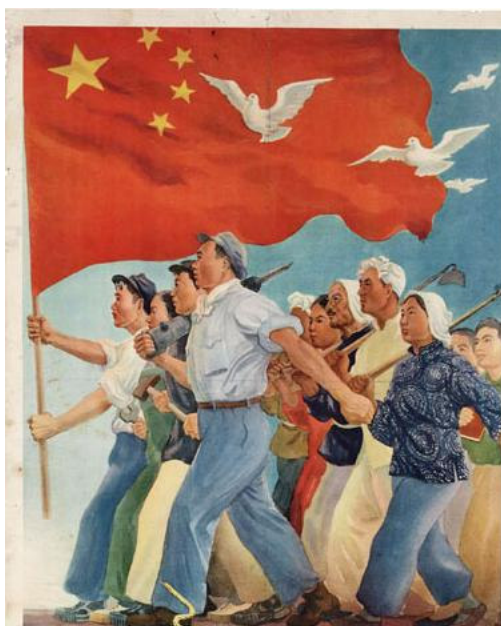
در میان هنرمندان و روشنفکران که از شهرها به ینان آمده بودند یکی هم چیانگ چینگ بود. او در 1933 به حزب کمونیست پیوسته بود و در سال 1937 به ینان آمد. او در اکادمی هنرهای زیبا که در ینان تشکیل شده بود، هنر نمایش و درام را درس میداد. او در گروه تبلیغی هنرمندانی که به دهات برای تبلیغ و نمایش میرفتند، پیوست. مانو به نویسندگان، هنرمندان و شعرا علاقه مندی خاصی داشت و نقش فرهنگی آنان را در تغییر دید جامعه به دیده قدرانی مینگریست. او در اکادمی برای دیدن رقص، موزیک و کنسرت هامیرفت و در آنجا با چیانگ چینگ آشنا شد و عاشق یکدیگر شدند و بعداً در سال 1939 ازدواج کردند.

خبرنگاران خارجی مانند آگاسانو و انالویس استرانگ که از ینان دیدن کرده بودند از اینکه مانو چگونه با مردم ارتباط نزدیک و صمیمی داشت، چقدر با انرژی بود و همینطور از دانش فلسفی او حیرت میکردند. یک مورخ نوشت: "عکس‌های زیادی از مانو که بالباس‌های نامنظم گرفته شده موجود است. پطلون کهنه، کت خریطه ای و بزرگ که اکثر اباکاغذو

کتابی که درجیبش میگذاشت، شل وول تریبظرمیرسید، به تن داشت. بسیاری مدارک مصاحبه وی موجود است که نشان میدهد با علاقه مندی تمام به همه سوالات پاسخ میداد و بعضی وقت ها شب تا صبح مصروف صحبت با خبرنگاران بود. او به برنامه های حزب میرفت و خیلی بلند و شاد میخندید. در عکس هادوست نداشت در مرکز عکس واقع شود. انالویز سترانگ میگوید که او به شیوه خودش میرقصید و رقص خوب بلد نبود. در غاری که مانوازان به عنوان دفترش استفاده می کرد، بچه هادرعین اوقات کاری اش در آن مشغول بازی بودند و بچه بیرون از غار میپزدند و داخل میرفتند. او همیشه شاد و خرم بود اما زمانی در یک ثانیه هم تغییر میکرد. در صحبت های خود همیشه مطابق به سویه شنوندگان خود سخن میگفت. در حالی که تلاش میکرد بلندتر از سطح مخاطبان خود سخن نگوید، هرگز پایین تر از آن سخن نمیگفت. مغلق ترین موضوع راطوری تشریح میکرد که حتی بچه ها و عوام ان رامیتوانستند درک کنند که مخاطب کی بود. همواره بین او و مردم صمیمیت خاصی وجود داشت. او همیشه با مردم ارتباط داشت. " (هان سوین در مارنینگ دیالوگ) ینان قلب جنبش سراسری چین بود و از آنجا بود که آزادی الهام میگرفت و گسترش می یافت. در سال 1945 پایگاه سرخ در 9 ولایت وجود داشت. درین سال بیش از صد میلیون انسان در ساحه آزاد شده تحت کنترل حزب و ارتش سرخ زندگی میکردند.

سرانجام اشغالگران چپانی در سال 1945 شکست خوردند. امریکاتا آنروز که کمونیستهای چین با چپانی ها می جنگیدند، موضع بی طرف داشت. اما زمانی که چپانی هاشکست خوردند، تاکتیک و شیوه کارش را تغییر داد و اضلاع متحده آمریکا از هیچ کاری خودداری نکرد تا کمونیستهار در رویارویی با کمینتانگ به شکست مواجه سازد. 90000 سرباز نیرویی دریایی امریکابه چین اعزام شد تا از شهرها، فردوگاه ها، تاسیسات مخابراتی، معادن ذغال سنگ و راه آهن در مقابل حملات کمونیستهادفاع نمایند. مشاوران امریکایی ارتش کمینتانگ را تعلیمات نظامی میدادند و بچه نیروهای کمینتانگ وسایل و تجهیزات نظامی مدرن میفرستادند. امریالیزم اضلاع متحده طی دوسال مبلغ 1.3 بلیون دالر تجهیزات نظامی کمک کرد که امروز این مبلغ برابر است با 13 بلیون دالر امریکایی. معذالک تمام این تلاشها، نتوانستند ارتش آزادیبخش خلق را شکست دهد. در نیمه سال 1949 حدود نیم ملیون سرباز کمینتانگ کشته شد. در اپریل همان سال دولت چیانگ کایشیک سقوط کرد و متعاقب آن ارتش آزادیبخش خلق شهرهای بزرگ را تصرف نمود.

چین سوسیالیستی یا چین سرخ



مانو در اول اکتوبر 1949 در میدان تین ان مین در پکن پایتخت تشکیل جمهوری خلق چین را اعلام نمود. او در جمع ملیون هانفر حاضر در میدان تین ان مین گفت: "مردم چین بپا برخاسته اند" مانو مردم چین را بیست سال در نبرد مسلحانه علیه ستمگران چینی و امریالیسم رهبری کرد. اینک نوبت مردم بود تا سوسیالیسم را در چین بنمایند. این دوران گذار به کمونیسم یعنی جهانی عاری از طبقه، مناسبات ستمگرانه و ایده های که مربوط به جامعه طبقاتی میباشد، بود.

مانو درین روز تاریخی با شادی مردم شریک شد و این روز را جشن گرفت. بر علاوه امیدانست که: "انقلاب بزرگ چین به پیروزی بزرگی رسید، اما راه بعد از پیروزی نهایت طولانی، کار بس بزرگ و بس دشوار است...".

خلق چین تاکنون ستم وادبار بیشماری چون فقر و گرسنگی ستمگری واستثمار وحشیانه ملاکین، اعتیاد به مواد مخدر، نبود نظام تعلیمی و صحتی را از سر گذرانیده بود. این وضعیت بویژه در روستاها، زندگی مردم را بیشتر از پیش صعب ساخته بود.

تاکنون هیچ راهی برای مردم موجود نبود تا این وضعیت را تغییر دهند. آنان در پناه و مرحمت سیستم اقتصادی و اجتماعی ستمگرانه و طبقه حاکمه که این سیستم را اداره میکرد، شب و روزشان را میگذراندند. و چین نوین نشانه تمام این زخم‌ها را با خود حمل میکرد. و اینک که قدرت سیاسی در دست خلق بود، خلق برای نابودی آثار این جراحات نظام کهن باید سخت تلاش میکرد، زیرا فرصت آن رسیده بود که مردم با شیوه‌های کاملاً مختلف با مشکلات مقابله کنند.

دولت جدید فوراً برنامه‌هایی را روی دست گرفت و شروع به ضبط و دارایی‌هایی که به امپریالیست‌های خارجی و سرمایه‌داران بزرگ چینی میشد، نمود. املاک ملاکین بزرگ را ضبط و میان دهقانان توزیع کرد. قوانین جدیدی وضع شد و بر اساس آن تمامی ازدواج‌های اجباری غیرقانونی اعلام گردید و به زنان مانند مردان حق طلاق داده شد. فروش اطفال همراه با واداشتن اطفال به کاره‌های از کارهای خیلی معمولی و روزانه مردم چین بود، ممنوع گردید. ساعات کاری از 12-18 ساعت به 8 ساعت تقلیل یافت. کارهای زیادی انجام شد تا فوراً و بصورت بنیادی شرایط زندگی مردم را بهبود بخشد. در عین زمان مردم و ادارات گردید تا به حل تمامی مشکلات زندگی سهم بگیرند و مشکلات اجتماعی خویش را خود حل نمایند. بطور نمونه مواد مخدر، قمار و فحشا مشکلات بزرگی در جامعه به حساب می‌آمد. چاقو کشان و ارادل و اوپاش بزرگ، دلالان فاحشه‌ها و دستفروشان مواد مخدر که بدون شک همگی شان با پلیس مخفی و اطلاعات سابق دست داشتند، دستگیر شدند. در ضمن آن به معتادان مواد مخدر، فاحشه‌ها و جوانب کاران کوچک خانه و حق تعلیم، خدمات صحی رایگان مهیا و برای شان فرصت تجدید تربیت داده شد. زندگی سیاسی و اجتماعی مردم تغییر کرد و میلیون‌ها نفر به انجمن‌های دهقانی، اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های زنان، و جوانان، جمعیت‌های فرهنگی، علمی، آموزشی و غیره پیوستند. این جمعیت‌ها به مردم این امکان را میدادند تا در تصمیم‌گیری‌ها و انجام تغییرات در جامعه نقش ایفا نمایند. مثلاً در شهرها "کمیته شهری" که از صدها و هزارها خانواده نمایندگی میکرد، مردم را کمک میکرد تا نزاع میان فامیل و همینطور میان همسایه‌ها را بطور مسالمت آمیز حل کند، جلوگیری از تبهکاران و تبهکاران را می‌گرفت، از نظافت شهری مواظبت میکرد، به فامیل‌های ناتوان کمک میکرد و محافل فرهنگی و آموزشی دایر می‌نمود، کارزار مبارزه با بیسوادی را در دهات، فابریکه‌ها و محله‌ها و نواحی فقیرنشین به پیش میبرد. کمیته‌های دهقانی که اساساً از دهقانان فقیری و زمین‌تسکیل شده بود، مسولیت داشتند تا اصلاحات ارضی را پیش ببرند. این کاریک تغییر بزرگ اقتصادی و اجتماعی بود. زنان بار اول بود که صاحب زمین میشدند. در سال 1952 نصف زمین‌های زراعتی چین توزیع مجدد شده بود و 300 میلیون دهقان فقیری و زمین‌ساحب زمین گردیده بودند.

رفع موانع اقتصاد سوسیالیستی

بعد از پیروزی انقلاب، بلافاصله این سوال مطرح شد که چگونه تغییرات اساسی را در جامعه بوجود آورد؟ بعضی رهبران حزب آن رهبران که در انقلاب دوشادوش مانو علیه ملاکین و مترجعین مبارزه کرده بودند- اصرار میکردند که به راه



سرمایداری بدون محدودیت پیش باید رفت. اینها میگفتند که زراعت زمانی ترقی میکند که صنعت پیشرفته داشته باشیم. اینها میخواستند تکنولوژی را از خارج وارد، از بانکهای بین‌المللی پول قرض کرده و املاک خصوصی بزرگ را در روستا‌ها ملی‌سازی کنند. اینها دنباله‌رو نظریه "رشد اقتصاد سوسیالیستی" در جنبش‌های کمونیستی بین‌المللی بودند. بر اساس این نظریه میبایست ابتدا وسایل مدرن تولیدی-کارخانه‌های بزرگ،

ماشین‌های سنگین و تکنولوژی مدرن... و غیره- را آماده و بعد از آن به تغییر مناسبات اجتماعی اقدام کرد.

امامانومیگفت که مابایدبه انقلابی ساختن مناسبات تولیدوتوزیع وشرکت توده هادر مبارزه طبقاتی وسهمگیری شان در مبارزه تولیدی توجه وانکشافات رابراین مینا حرکت دهیم. مانومعتقدبودکه عملی ساختن تغییرات ودگرگونیهای انقلابی مانندانقلاب ارضی، ترویج کاردسته جمعی، همکاری میان کارگران ودهقانان، ازبین بردن فیودالیزم وزمینیه ایده های ناسالم، میتوانند صنعتی نمودن زراعت وتبدیل زمین های بایر به زمین زراعتی راتسریع واستفاده ازآب را بهبود بخشد. این نمونه ای ازایده های مانواست که شیوه تفکر مردم رانسبت به پروسه تغییرات اجتماعی بانقبادانقلابی می ساخت. قراردادن انکشاف مدرن صنعتی قبل ازدگرگونی اقتصادی واجتماعی مناسبات میان مردم میتواندبه نابرابری بزرگی منجرشود. زیرااین امر باعث میشودتاتمام توجه به انکشاف فابریکه ها که بعضاً درشهرهاخیلی پیشرفته هم بودند، میزول گردد. علاوتاین کار باعث تشدیدنابرابری میان شهروروستا، فقراواغنیاء، به جای تحدیدوکاهش آن، می گردید. مانواستدلال میکردتتابتداکارهای زیادی برای برداشتن گام های بزرگی درراه تغییرات درشیوه تفکرچینی ها نسبت به جامعه ومحیط وبعدقدم برداشتن بسوی تولید، انجام شود. این امر بعدهابه شعارخیلی مشهوری "انقلاب رالداده دهید وتولیدرابالابیرید" تبدیل شد. مانو این خط رابطورقاطعانه ازپیش بردوبرای رسیدن به چنین اهدافی باقدم های استوار حرکت کرد.

پایان قسمت دوم